

قوانین و آئین پاتیمکّه (پراتی موكشه) در رهبانیت بودایی^۱

محمدرضا عدلی^۲

دانش‌آموخته دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه ادیان و عرفان، تهران، ایران.

چکیده

رهبانیت بودایی (سنگه) مانند هر طریقه رهبانی دیگری آئین‌های جمعی خاص خود را دارد. البته واژه آئین ممکن است موجب سوء تعبیر شود زیرا بودا از منتقدان سرسخت آئین‌گرایی بود. اما باید گفت که اگرچه آئین‌های سنگه آئین‌هایی رسمی هستند اما همگی ماهیتی کاربردی دارند. در واقع این آئین‌ها مرور «قوانین سنگه» هستند که تا به امروز بدون هیچگونه تشریفات اضافی در صومعه‌ها برگزار می‌شود. در این میان دو آئین اهمیت فراوانی دارد: آئین تشریف کامل و آئین اعتراف (پاتیمکّه). در آئین اعتراف که هر دو هفته یکبار در هر ماه، در ایام ماه نو و ماه تمام، برگزار می‌شده است بخشی از کتاب وینیه قرائت می‌شود و راهبان بر وفاداری خود به سنگه و قوانین آن تأکید می‌کنند.

کلیدواژه‌ها

رهبانیت بودایی، سنگه، وینیه بیتکه، پاتیمکّه، بهیکّه، بهیکّونی.

۱. تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۱۳

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده است که با عنوان «جنبه‌های اجتماعی رهبانیت در دین بودایی و مقایسه آن با آداب اجتماعی خانقاه و تصوف»، به راهنمایی دکتر فتح الله مجتبابی و مشاوره دکتر شهرام پازوکی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تألیف و دفاع شده است.

۲. پست الکترونیک: moh_adli@yahoo.com

مقدمه

سرآغاز دین بودایی را می‌توان جنبش «تارکان دنیا» نامید. این جنبش نیز همچون چند جنبش مشابه دیگر آن زمان در مخالفت و واکنش به دین برهمنی، که ارزش زیادی برای زندگی دنیوی و آئین‌های آن قائل بود، شکل گرفت. از این رو، هسته مرکزی این نهضت جدید را راهبان و راهبه‌ها تشکیل می‌دادند. اما دیری نپایید که عامه مردم، از زن و مرد، غنی و فقیر گرد این جماعت جمع شدند و در زمره حامیان و پیروان آنان قرار گرفتند. بنابراین می‌توان میان دو گونه از پیروان بودا تمایز قائل شد: از یک سو راهبان و راهبه‌ها و از سوی دیگر مردم عامی. بنا بر متون پالی، جماعت رهبانی بودایی (موسوم به سنگهه^۱) نخست در بنارس، در باغ غزالان، پس از نخستین موعظه بودا برای آن پنج زاهدی که پیشتر از یاران او بودند (به نام‌های کُندنه، وِپه، بهدیه، مهانامه و آسجی^۲)، تأسیس شد.^۳ چند روز بعد جوانی ثروتمند به نام یسه^۴ به همراه چندتن از دوستانش به جنبش جدید پیوستند. خیلی زود گروه دیگری از مردان جوان که آنها نیز مشتاق پیوستن به جمع پیروان بودا بودند به آنها ملحق شدند.^۵ به این ترتیب پس از گذشت یک سال جماعت پیروان بودا به صدها نفر رسید.

واژه سنگهه به معنای «گروه انبوه^۶» یا «اجتماع^۷» در زبان‌های سنسکریت، پالی و چندین زبان پرکریت لفظی مشترک است. این واژه برای بودائیان اصطلاحی دینی است که در اشاره به جماعت مومنان به کار می‌رود. البته پیروان دین جاین و برخی دیگر از گروه‌های دینی در هند نیز این واژه را در همین مفهوم به کار می‌برند.^۸ افزون بر این، در زمان بودا احزاب سیاسی و اصناف تجاری نیز سنگهه نامیده می‌شدند.^۹

1. Samgha
2. Kondañña, Vappa, Bhaddiya, Mahānāma, Assaji
3. *Vinaya I 12 in Vinaya Texts, Sacred Books of the East*, T. W. Rhys Davids and Hermann Oldenberg (trans.), vol. XIII, Oxford, Clarendon, 1881.
4. Yasa
5. *Vinaya I 19*
6. multitude
7. assemblage
8. Bechert, Heinz, "Samgha: An Overview", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1986, vol.13, p.36.
9. Hirakawa, Akira, *A History of Indian Buddhism*, Honolulu, University of Hawaii Press, 1990, p.62.

پیروان بودا به دو دسته تقسیم می‌شده‌اند: مؤمنان عامی و درویشان. در میان عوام، مردان^۱ اوپاسکه^۱ و زنان^۲ اوپاسیکا^۲ خوانده می‌شدند. اوپاسکه به معنی خدمتگذار یا کسی است که به دیگران خدمت می‌کند. مؤمنان عامی بدین سبب اوپاسکه خوانده می‌شدند که وظیفه آنان خدمت به درویشان بوده است. آنان وظیفه داشتند غذا و لباس در اختیار درویشان قرار دهند. درویشان نیز در مقابل به مؤمنان عامی می‌آموختند که چگونه در کنار زندگی عادی خود اعمال دین بودایی را به جای آورند. مردم عامی با ایمان به سه گوهر بودایی و رعایت احکام پنجگانه اوپاسکه قلمداد می‌شدند. البته آنان که همت بیشتری داشتند اعمال دینی دیگری نیز انجام می‌دادند. درویشان مرد، بهیکهو (سنسکریت: بهیکشو)^۳ و درویشان زن، بهیکونی (سنسکریت: بهیکشونی)^۴ خوانده می‌شدند. بهیکهو به معنی درویش و فقیر است. او کسی است که خود را وقف ریاضت و اعمال دینی کرده است و نیازهای معیشتی او را مؤمنان عامی مرتفع می‌سازند. بنابر آنچه بیان شد چهار گروه بودایی عبارتند از: مردان و زنان عامی، راهبان و راهبه‌ها.^۵

سنگه در مفهوم عام خود لفظی است که هر چهار گروه از پیروان بودایی را در برمی‌گیرد. البته این واژه در مجموعه اصطلاحات رهبانیت تهرواده‌ای به طور خاص به گروه راهبان و راهبه‌ها اطلاق می‌شود. در واقع در متون پالی واژه سنگه دین‌داران عامی را دربر نمی‌گیرد، بلکه اصطلاح چتارو پریسا^۶ به معنی «انجمن چهارگانه» است که در اشاره به همه پیروان بودایی به طور عام به کار می‌رود. جماعت رهبانی از دو گروه بهیکهو-سنگه (نظام راهبان) و بهیکونی-سنگه (نظام راهبه‌ها) تشکیل می‌شود که بر روی هم اوبهتوسنگه^۷ (جماعت دوگانه) خوانده می‌شوند. چاتودیسسه بهیکهوسنگه^۸ به معنی «جماعتی از چهار بخش» اصطلاح دیگری است که برای اشاره به جماعت بوداییان به طور

-
1. upāsaka
 2. upāsikā
 3. Skt. bhikṣu, Pāli. bhikkhu
 4. Skt. bhikṣuṇī, Pāli. bhikkhunī
 5. Hirakawa, Akira, pp.61-62.
 6. cattādro parisā
 7. ubhato sangha
 8. cātudissa bikkhusangha

عام به کار می‌رود. این عبارت در متون وینیه و در کتیبه‌های کهن به کار رفته و بیانگر روح مشترک و مالکیت اشتراکی است.^۱

باری برای شناختن قوانین و آئین پاتیمکجه نخست باید به متون بودایی اشاره شود، زیرا چنانکه در ادامه بیان خواهد شد بخشی از متون بودایی موسوم به همین نام است.

منابع و متون مرتبط با سنگهه

بر طبق سنت بودایی، بودا تعالیم خود را در مجموعه تری‌پیتکه^۲ (سه سبد) بیان کرده است. اما اندک زمانی پس از وفات گوتمه^۳ یا به قولی پس از آنکه «باد بی‌ثباتی چراغ معرفت را خاموش کرد» بحث و اختلاف میان شاگردان بودا بر سر برخی از اصول اعتقادی بودایی در گرفت. برای حل این مشکل شورایی در راجگریهه^۴ در نزدیکی مگدهه^۵ تشکیل شد. آنگاه آنگاه که تمام بزرگان گردآمدند، کاشیپه^۶، کارآزموده‌ترین شاگرد بودا مسئول قرائت دیدگاه‌های متافیزیکی موجود در ابهی‌دهمه‌پیتکه^۷ شد. آپالی^۸، کهنسالترین شاگرد، قوانین نظام رهبانی (وینیه) را از وینیه‌پیتکه^۹ بیان کرد و آنده^{۱۰}، شاگرد محبوب بودا، داستانها و تعالیمی (دهمه) که بودا در سوتیه‌پیتکه^{۱۱} بیان کرده بود، بازگو نمود. سال‌های سال تعالیم بودا به طور سینه به سینه نقل شد و در سال ۸۰ ق.م، در دوره پادشاهی ونگامنی^{۱۲} در سیلان^{۱۳} (سريلانكا) این سه مجموعه مکتوب شد.^{۱۴}

1. Wijayaratna, Mohan, *Buddhist Monastic Life*, Claude Grangier & Steven Collins (trans.), New York, Cambridge University Press, 1990, pp.1-2.
2. tripiṭaka
3. Gautama
4. Rājagrha
5. Magadha
6. Kāśyapa
7. Abhidhammapiṭaka
8. Upāli
9. Vinayapiṭaka
10. Ānanda
11. Suttapiṭaka
12. Vattagāmani
13. Ceylon
14. Rhays Davids, Thomas William, *Buddhism: a Sketch of the Life and Teachings of Gautama, the Buddha*, London, 1887, p. 214; Radhakrishnan, S., *Indian Philosophy*, New Delhi, Oxford University Press, 2008 (1923), p. 343.

بنابراین، سنت بودایی این سه مجموعه را کلام خود بودا می‌داند، اما پژوهشگران نوین درباره تاریخ دقیق سرایش و نگارش این مجموعه نظرات مختلفی ارائه داده‌اند. راداکریشنان معتقد است که گردآوری این مجموعه پیش از سال ۲۴۱ ق.م، زمانی که سومین شورای بودایی (در زمان پادشاهی آشوکا^۱) برگزار شد، به پایان رسیده بود.^۲ اما ادوارد کنتزه بر این باور است که وینه‌پیتکه قدیمترین متن بودایی است و به زمان پیش از آشوکا باز می‌گردد، اما سایر مجموعه‌ها در زمان دیگر تکمیل شدند، از جمله گردآوری/بهبی‌دهمه تا سال ۴۰۰ م ادامه یافت.^۳ باری از این سه مجموعه آنچه بیش از همه با موضوع پژوهش ما مرتبط است، سبد نظام رهبانی یا وینه‌پیتکه می‌باشد. این مجموع نخستین بار بین سال‌های ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۵ به همت توماس ویلیام رایس دیویدز و هرمان آلدنبرگ از زبان پالی به انگلیسی ترجمه شد و در چهار جلد در مجموعه کتب مقدس شرق (ویراسته ماکس مولر) منتشر شد.^۴ این نسخه در این پژوهش مورد استفاده نگارنده بوده است. در اینجا بخش‌های بخش‌های مختلف این اثر به اختصار معرفی می‌شود.^۵

وینه‌پیتکه

قوانین مربوط به سنگه نخستین بخش از مجموعه متون قانونی بودایی را تشکیل می‌دهد. این مجموعه که معروف به وینه‌پیتکه^۶ (سبد نظام رهبانی) است در نسخه‌ها و روایات مختلف به دست ما رسیده است که هر نسخه به یکی از مکاتب (نیکایه^۷) بودایی اختصاص داشته است. شباهت نسبی این متون بیانگر آن است که همه این نسخه‌ها از

1. Aśoka (274-236 BCE)
2. Radhakrishnan, S., p. 343.
3. Conze, Edward, *Buddhism, a Short History*, Oxford, 2008 (1980), p. 42.
4. *Vinaya Texts, Sacred Books of the East*, T. W. Rhys Davids and Hermann Oldenberg (trans.), vols. XIII, XVII, XX, Oxford, Clarendon, 1881-1885.
۵. برای توضیح بیشتر درباره دو سبد دیگر (سوتنه‌پیتکه و ابهی‌دهمه‌پیتکه) نک.
- Rhys Davids, Thomas William, *Buddhism: Its History and Literature*, 1907, pp.52-65; Eliot, Sir Charles, *Hinduism and Buddhism: An Historical Sketch*, London 1962 (1921), vol.1, pp.275-282; Norman, K. R., *Pāli Literature, Including the Canonical Literature in Prakārit and Sanskrit of All the Hīnayāna Schools of Buddhism*, Wisbaden, 1983, pp.30-108.
6. *Vinaya Pitaka* (Basket of Monastic Discipline)
7. nikāya

منبعی واحد سرچشمه گرفته‌اند. از این میان متن کامل وینیه‌پیتکه مهاویهاره^۱ (عمده‌ترین سنت مکتب تهرواده) به طور کامل به زبان پالی به جای مانده است. سایر نسخه‌ها عمدتاً به زبان سنسکریت‌اند که البته تنها بخش‌هایی از آنها باقی مانده است. چند نسخه کامل نیز به زبان چینی و یک ترجمه تبتی از نسخه مکتب مولسرواستی‌واده^۲ نیز موجود است.^۳ تمام نسخه‌های وینیه‌پیتکه از سه بخش اصلی تشکیل شده‌اند: ۱- سوتّه‌ویبهنگه^۴ ۲- کهندهکها (سنسکریت: اسکندهکها)^۵ ۳- پریواره^۶.

۱. سوتّه‌ویبهنگه: سوتّه (سنسکریت: سوتره) به معنی «ریسمان» و «رشته» است، و در سنت هندی به متون موجزی گفته می‌شود که سخن نغزی در آن نهفته است. این سخن نغز به مثابه سرنخی است که برای پی بردن به جان کلام باید سلسله‌ای از این «رشته‌ها» را دنبال کرد. ویبهنگه به معنی شرح و تفسیر است. در این بخش از وینیه مجموعه قوانین سنگه موسوم به پاتیمککه (سنسکریت: پراتی موکشه)^۷ گرد آمده است. این قوانین در بردارنده احکامی درباره رفتار راهبان و راهبه‌ها است. سنت بودایی وضع تمام این احکام را به شخص بودا نسب می‌دهد. تعداد این احکام در نسخه‌های مکاتب مختلف متفاوت است و بین ۲۱۸ تا ۲۶۳ قانون متغیر است. همچنین این احکام در قالب کتابچه‌ای مستقل نیز باقی مانده است که از آن در آیین تشریف و اعتراف افراد استفاده می‌شد. این احکام ذیل هشت عنوان و در دو بخش مجزا در سوتّه‌ویبهنگه آمده است که یکی به قوانین مربوط به راهبان و دیگری به قوانین مربوط به راهبه‌ها اختصاص دارد. در نسخه پالی^۸ ۲۲۷ قانون برای راهبان و ۳۳۱ قانون برای راهبه‌ها ذکر شده است. در سوتّه‌ویبهنگه هر کدام از این احکام به همراه موقعیت خاصی که بودا آن حکم را وضع کرده نقل شده است. از آنجا که تخطی از هر یک از این احکام کیفری در پی داشته که این کیفر در سوتّه‌ویبهنگه نقل شده است، این

1. Mahāvihāra

2. Mūlasarvāstivāda

3. Bechert, Heinz, p.36.

4. Sutta-vibhāṅga

5. Skt. Skandhakas, Pāli, Khandhakas : Treatises

6. Parivāra : appendix

7. Skt. Prātimokṣa, Pāli, Pātimokkha

8. See *Vinaya*, Pātimokkha, (in *Sacred Books of the East*, vol. XIII, pp. 1-71).

بخش از وینیه را می‌توان کتابچه احکام کیفری و جزایی سنگه نیز به شمار آورد (نک. جدول ذیل).^۱

تعداد قوانین		قوانین پاتیمکجه
راهبه‌ها	راهبان	
۸	۴	۱. گناهان پاراجیکه که موجب اخراج فرد از سنگه می‌گردد.
۱۷	۱۳	۲. گناهان سنگهادیسه ^۲ که قضاوت درباره آن به عهده انجمن رسمی سنگه است.
۰	۲	۳. گناهان آنیته ^۳ که چهارچوب معینی ندارد (شهادت یکی از زنان بودایی عامی برای اثبات آن لازم است).
۳۰	۳۰	۴. گناهان نیسگیه پاچیتیه ^۴ که راهب باید بدان اعتراف کند و سبب تنزل رتبه راهب می‌شود.
۱۶۶	۹۲	۵. گناهان پاچیتیه ^۵ که راهب باید بدان اعتراف کند.
۸	۴	۶. گناهان پاتیدسنیه ^۶ که گناهان کوچکتری است و اعتراف راهب را در پی خواهد خواهد داشت.
۷۵	۷۵	۷. احکام سیکهتیا ^۷ درباره رفتار و منش نیکو.
۷	۷	۸. آدهیکرنه ستمته ^۸ : قوانین مربوط به روند و رویه دادرسی.
۳۳۱	۲۲۷	جمع:

چنانکه در جدول فوق ملاحظه می‌شود، این قوانین بسته به اینکه تخطی از آنها چقدر جدی تلقی گردد به هشت قسم مختلف طبقه‌بندی می‌شوند. تخطی از چهار قانون پاراجیکه^۹ (= ملغی شدن) اخراج دائمی از سنگه را به دنبال خواهد داشت، آن چهار قانون

1. Rhys Davids, T. W., Oldenberg, Hermann, "Introduction", *Vinaya Texts, Sacred Books of the East*, 1881, vol. XIII, pp. IX-XXIV; Rhays Davids, Thomas William, *Buddhism: Its History and...*, pp. 54-55.

2. Sanghādisesa

3. Aniyata

4. Nissaggiya Pācittiya

5. Pācittiya

6. Pāṭidesanīya

7. Sekhiyā

8. Adhikaraṇa samatha

9. pārājika

قانون عبارتند از: پرهیز از ۱- روابط جنسی، ۲- استفاده از چیزی که به سنگه اهداء نشده است ۳- قتل عمدی ۴- ادعای کاذب درباره داشتن نیروهای فوق بشری.^۱ برای راهبه‌ها، علاوه بر این چهار گناه، چهار پاراجیکه دیگر نیز وجود داشته است: ۵- لمس کردن بدن یک مرد (از شانه تا زانو)؛ ۶- لمس شدن توسط یک مرد. ۷- نادیده گرفتن یا پنهان کردن گناه پاراجیکه راهبه‌ای دیگر ۸- جانبداری کردن از راهبی مطرود.^۲

به غیر از طرد شدن از سنگه جرایم سبکتری نیز وجود داشته است. در دین بودایی تهرواده‌ای توبه هیچ جایگاهی ندارد. اگر کسی مرتکب عمل ناصوابی شود به هیچ طریقی نمی‌تواند آثار آن را از بین ببرد. تنها کاری که می‌تواند انجام دهد این است که بر اشتباه خویش آگاه شود و بکوشد از آن پس آن کار را تکرار نکند. بنابراین هیچ نیایش یا وردی برای توبه وجود ندارد. معمولاً در این موارد راهب مجبور است که در حضور دیگران به عمل اشتباه خود اعتراف نماید. برای بیشتر گناهان کوچک تنها تنبیه اعتراف است. راهبان باید متن پاتیمکجه را هر دو هفته یکبار در آئین اعتراف زمزمه کنند.^۳

گروه دوم گناهان (سنگه‌ادیسسه) نیز گناهی جدی اند که البته ارتکاب بدان تنها جریمه و تنبیه به دنبال خواهد داشت. سنگه برای اصلاح و تأدیب متهم سه بار جلسه تشکیل می‌دهد. نخست برای قضاوت درباره وی، دوم برای تعیین جریمه وی و سوم پس از آنکه فرد دوره تنبیهی را سپری نمود. این گناهان شامل مواردی از این قبیل اند: تماس فیزیکی با زنان، تهمت ناروا زدن به راهبی دیگر، ساختن اتافی بزرگتر از آنچه تعیین شده است، و

دو گناه آنبیته تنها مربوط به راهبان است و شامل حال راهبه‌ها نمی‌شود. سنگه برای قضاوت درباره این گناهان به شهادت زنی پرهیزگار از بوداییان عامی نیازمند است. مثلاً اگر راهبی در محیطی بسته با زنی تنها شود، بر کسی دانسته نیست که در آن خلوت مرتکب چه گناهی شده است. اگر با آن زن رابطه جنسی برقرار کرده باشد، مرتکب گناه پاراجیکه شده

1. *Vinaya* III 109.

2. *Vinaya* IV 211–22; Harvey, Peter, *An Introduction to Buddhist Ethics: Foundations, Values and Issues*, Cambridge University Press, 2000, p. 94; Bechert, Heinz, p.37.

3. Gombrich, Richard F., *Theravāda Buddhism: A Social History from Ancient Benares to Modern Colombo*, London, Routledge, 1988, pp.105-109.

است و مستوجب اخراج از سنگهه است. اگر تنها با آن زن تماس فیزیکی داشته است، گناه وی سنگهادیسسه است که انجمن باید درباره آن تصمیم بگیرد. اگر با آن زن صحبت کرده باشد تنها باید به گناه خود اعتراف کند. از آنجا که تصمیم‌گیری در این رابطه مشکل است سنگهه از زنی پارسا کمک می‌طلبد تا احتمالاً با آن زنی که در خلوت با راهب تنها بوده است سخن بگوید و اینگونه جریمه راهب مشخص شود.

گناهان نیسنگیه پاچیتیه، که ارتکاب بدان سبب تنزل رتبه راهب می‌شود و همچنین راهب باید بدان اعتراف کند، گناهایی هستند در رابطه با پذیرش پول، مال‌اندوزی و اموری از این دست. دسته دیگر گناهان، موسوم به گناهان پاچیتیه، گناهان کوچکی هستند که تنها اعتراف بدان کافی است نظیر غذا خوردن بعد از نیمروز، رفتن به تماشای رژه نظامیان و گناهان پاتیدسسه نیز گناهان کوچکتری هستند در ارتباط با تخطی از قوانین مربوط به غذا. در وینیه هفتاد و پنج حکم درباره رفتار و منش نیکو آمده است که برای آن است که راهبان آداب معاشرت را به درستی انجام دهند و از محدوده آداب‌دانی و حسن سلوک خارج نشوند. این قوانین سیکهیا دهمه نام دارد و احکامی هستند درباره طرز صحیح لباس پوشیدن، غذا خوردن، قدم زدن و سخن گفتن. برخی از این احکام اینگونه در وینیه نقل شده است: «من ردایم را به درستی پوشیده‌ام^۱»، «من در دهکده بدون آنکه با صدای بالا بخندم قدم زدم^۲»، «من غذایم را بدون آنکه از دهانم صدایی درآید خوردم^۳»، «من پس از غذا خوردن دست خود را نلیسیده‌ام^۴». هفت قانون آدهیکرته سمتهه نیز درباره رویه اجرای قوانین است و هدف از آن این است که درباره انواع گناهان بحث و گفتگو کند.^۵

۲- کهندهکه‌ها: دومین بخش وینیه کهندهکه‌ها (= مقالات) نام دارد. این بخش به آن دسته از موضوعات نظام رهبانی که در پاتیمک‌هه بدان اشاره نشده است، می‌پردازد. این بخش شامل بیست کهندهکه است که مطالب آن را می‌توان بدین ترتیب دسته‌بندی کرد:

۱. تشرف به نظام رهبانی

1. *Vinaya* II 185
2. *Vinaya* IV 187
3. *Vinaya* IV 197
4. *Vinaya* IV 198
5. Wijayaratna, Mohan, p. 140-142; Prebish, Charles (ed.), *A Survey of Vinaya Literature*, Taiwan, 1994, vol.1, pp.1-11.

۲. آئین اُپستَهه^۱ یا آئین پاتیمکَهِه
۳. عزلت‌نشینی در فصل باران
۴. آئین پوارتا^۲ که در پایان فصل باران برگزار می‌شود.
۵. دربارهٔ غذا، مسکن و ...
۶. دربارهٔ دارو و درمان
۷. دربارهٔ لباس
۸. دربارهٔ مقررات داوری در موضوعات مورد اختلاف
۹. دربارهٔ تعلیق و اصلاح اعضاء سنگهه
۱۰. دربارهٔ قوانین خاص راهبه‌ها.^۳

۳- پَریواره: پَریواره به معنی «پیوست» می‌باشد که در آن مطالبی در ارتباط با سنگهه و آئین‌های آن و نیز توضیحات بیشتری دربارهٔ مطالب موجود در دو بخش اول وینیه ذکر شده است. در واقع این کتاب بسیار کوچکی است برای تقویت حافظه و در آن مسائل مختلف مطرح شده است که به گفتهٔ رایس دیویدز بی‌شبهت به اوراق امتحانی کنونی نیست.^۴

چنانکه ملاحظه شد وینیه‌پیتکه قاعده‌نامهٔ مفصلی است که می‌کوشد به تمام امور روزمرهٔ زندگی بوداییان نظام ببخشد. البته تنظیم قاعده‌نامه‌ای که برای تمام ابعاد زندگی انسان‌ها حاوی دستورالعمل‌هایی باشد در جوامع پیچیدهٔ امروزی غیر ممکن می‌نماید اما اگر ساختار جامعه ساده و همگون باشد، تهیهٔ چنین کتابچهٔ راهنمایی کار چندان دشواری نیست. در وینیه‌پیتکه راه و روش زندگی و شیوهٔ سلوک برای راهبان، راهبه‌ها، نوآموزان و بوداییان عامی آمده است. این قاعده‌نامه هم به اصول کلی زندگی اجتماعی توجه داشته است و هم به جزئیات آن. از این حیث وینیه دستاورد مهمی به شمار می‌رود. زیرا از یک سو نمی‌توان آن را به توجه بیش از حد به جزئیات متهم کرد زیرا بودا مدام به شنوندگان اندرزهایش یادآور می‌شود که این نیت افراد است که مهم است و از سوی دیگر افراد با در

1. poṣadha (Pali, uposatha): confessional ceremony

2. Pavāraṇā

3. Rhays Davids, Thomas William, *Buddhism: Its History and...*, p. 56; Norman, K. R., pp. 22-26.

4. Rhays Davids, Thomas William, *Buddhism: Its History and...*, p. 58; Norman, K. R., pp. 26-30.

نظر داشتن چنین پیش‌شرطی، با انجام دقیق دستورالعمل‌های آن می‌توانند از سعادت‌مندی خویش اطمینان حاصل کنند. البته برای نیل به نیبانه (سنسکریت، نیروانه^۱) فرد باید شیوه‌های دقیق‌تری را به کار بندد و حتماً باید به زندگی راهبانه روی آورد و لحظه‌ای از مراقبه غافل نشود.^۲

شعار اصلی وینیه برای اینگونه زیستن «به کم راضی شدن» است، یعنی فرد باید بر امیال و آرزوهایش فائق آید. هر کسی که در جستجوی نیبانه است باید این شعار را در خویش محقق سازد. جوهره اصلی این شعار ساده‌زیستی است یعنی فرد باید به حداقل‌داری و امکانات زندگی (مطابق آنچه در سنت برای او تعیین شده است) راضی باشد و از هرگونه وابستگی اجتماعی (خانه و خانواده) بگسلد. بودا به راهبان توصیه می‌کند بسان «جزایری که قائم به خویش‌اند» زندگی کنند.^۳

وینیه در وهله نخست دربردارنده قوانینی برای تعالی معنوی راهبان است. در واقع طریق راهبان بودایی تمرین طاقت‌فرسا برای درک حقیقت رنج و سپس گریز از آن است. این تمرین در دل مفهوم سیله^۴ (سنسکریت، شیله به معنی «اخلاق») جای دارد. سیله پیش‌شرط مراقبه، معرفت، و اشراق است. زندگی باطنی هر راهبی به حکم سیله اوست که آغاز می‌شود و تحقق اهداف سیله تنها با اجرای دقیق قوانین و دستورات وینیه حاصل می‌گردد - قوانین کوچک و بزرگی که اعمال او را هدایت می‌کنند. از این رو سیله دو بُعد دارد: بُعد باطنی و بُعد ظاهری.^۵

موضوع دیگری که در اینجا باید بدان توجه شود این است که جوهره دین بودایی مبتنی بر دو اصل بنیادین است که هر دو از اهمیت یکسانی برخوردارند. برای بوداییان بالاترین ارزش‌ها در دو اصل معرفت و شفقت نهفته است. معرفت راهی است که به اشراق و نیبانه ختم می‌شود. اما معرفت به وجود رنج در خویشتن برابر است با شناخت رنج تمام جهانیان و آرزوی رها ساختن تمام انسان‌ها از رنج. به همین دلیل، معرفت و شفقت در سنت بودایی

1. nibbāna (Skt. Nirvāṇa)

2. Gombrich, Richard F., p.90.

3. *Dīgha-nikāya*, II, 100 quoted by Gombrich, Richard F., p.90.

4. Skt. śīla, Pāli. Śīla : morality

5. Carrithers, Michael, *The Forest Monks of Sri Lanka: An Anthropological and Historical Study*, Delhi, 1983, p.43.

جدایی ناپذیرند. البته در دل این مفهوم تعارضی نهفته است، اینکه فرد هم باید برای پیشرفت روحانی خود بکوشد و هم به دیگران کمک کند. باری این مفهوم دوگانه در تعاملات اجتماعی سنگه بودایی و مردم عامی بسیار اثرگذار بوده است.^۱

موضوع محوری دیگری که در وینیه مطرح شده این است که دو طریق افراطی، یعنی رنج‌طلبی و تن‌آسایی، سبب می‌شوند که فرد از جستجوی حقیقت و رسیدن به اشراق بازماند. آنچه که بودا بر آن تأکید می‌کند مقام رضا است. اینکه راهب از وضعیتی که در آن قرار دارد احساس خرسندی و رضایت کند. روزی پادشاه کُسله^۲ به بودا تبریک می‌گوید زیرا راهبان او خشنود، سالم و شادمان‌اند در حالیکه بسیاری از زاهدانی که او بیشتر دیده بود نحیف، ناخشنود و نفرت‌انگیز بوده‌اند. اگرچه خلوت و انزوا شرط اصلی مراقبه است اما تأکید فراوان بر خلوت، فرد را از حقیقت مراقبه باز می‌دارد. بودا معتقد است خلوت حقیقی وابسته به شرایط فیزیکی و بیرونی نیست، بلکه حقیقت خلوت یعنی دل بریدن از امیال و آرزوها و رها شدن از تشویش‌های گذشته و آینده.^۳ اگر راحتی و آسایش مانعی بر سر راه زندگی راهبانه نباشد، رهبانیت بودایی آن را برای راهبان نامناسب و زیان‌آور تلقی نمی‌کند. بلکه برعکس، بودا در بسیاری از موارد ناراحتی و رنج‌طلبی را مانع راه پیشرفت درونی معرفی می‌کند.^۴

آیین‌های رهبانیت بودایی

سنگه آئین‌های جمعی خاص خود را دارد. البته واژه آئین (مراسم دینی) ممکن است باعث سوء تعبیر شود زیرا بودا از منتقدان سرسخت آئین‌گرایی بود. اما باید گفت که اگرچه آئین‌های سنگه آئین‌هایی رسمی هستند اما همگی ماهیتی کاربردی دارند. در واقع این آئین‌ها مرور «قوانین سنگه» است که تا به امروز بدون هیچگونه تشریفات اضافی در صومعه‌ها برگزار می‌شود. در این میان دو آئین اهمیت فراوانی دارد: آئین تشریف کامل،

1. Gombrich, Richard F., p.91.

2. Kosala

3. *Samyutta Nikāya* III, 283; *Samyutta Nikāya* IV, 35-7 quoted by Gombrich, Richard F., p.95.

4. Wijayaratna, p. 42.

اُپَسَمَپَدا (سنسکریت: اُپَسَمَپَدا)^۱ و آئین خواندن پاتیمکّه^۲. دو فصل نخست کهددهکّه وینیه پیتکه به شرح این دو آئین اختصاص دارد که در اینجا به آئین دوم، یعنی آئین پاتیمکّه، اشاره می‌کنیم.

آئین پاتیمکّه

آئین پاتیمکّه هر دو هفته یکبار در هر ماه، در ایام ماه نو و ماه، تمام برگزار می‌شده است.^۳ این ایام را اُپَسَته (سنسکریت: پوشدهه)^۴ می‌خواندند. از این رو به این آیین، آیین اُپَسَته نیز می‌گویند. این باور که این دو دوره زمانی در هر ماه (ماه نو و ماه تمام) زمان‌های مقدسی هستند، باوری کهن در هند بوده است و در دوره ودایی نیز آیین‌های خاصی در این ایام برگزار می‌شد. راهبان بودایی در این ایام پاتیمکّه را قرائت می‌کردند. به نظر رایس دیویدز متن پاتیمکّه اساساً برای این گردهمایی‌های ماهانه تدوین شد.^۵ در این آئین راهب ارشد پس از خطبه‌ای کوتاه شروع به قرائت پاتیمکّه می‌نماید.^۶ چنانکه بیان شد در پاتیمکّه فهرستی از گناهان ذکر شده است، راهب ارشد پس از خواندن هر یک از این گناهان سه بار از حاضران می‌پرسد که آیا آنان منزّه از این گناه‌اند یا نه؟ اگر کسی سخنی نگوید او به خواندن ادامه می‌دهد. در وینیه توصیه شده که در مواقع اضطراری این آئین به شکلی مختصرتر انجام شود.^۷ به طوری که ملاحظه می‌شود این آئین ماهیتی کاربردی داشته داشته و هدف از آن اعتراف راهبان گناه‌کار به گناه خود بوده است. بودا اهمیت فراوانی برای این آئین قائل بود و برای اینکه از اجرای دقیق آن و مشارکت همه راهبان اطمینان حاصل کند قوانین مفصلی وضع نمود. هیچیک از اعضاء سنگه حق نداشتند از شرکت در آئین خودداری کنند، مگر کسانی که در بستر بیماری بودند. البته حتی راهبان بیمار نیز نماینده‌ای از طرف خود می‌فرستادند که بر بی‌گناهی آنان شهادت دهد.^۸ بودا اجرای این

1. Skt. upasampad, Pāli. upasampadā : obtaining

2. pātimokkha

3. Vinaya I 104

4. Skt. poṣadha, Pāli. uposatha: confessional ceremony

5. Rhys Davids, T. W., Oldenberg, Hermann, pp. x-xi

6. Vinaya I 102-3

7. Vinaya I 112-13

8. Vinaya I 120

آئین را مهمترین قانون سنگهه می‌دانست. برای اجرا دقیق این آئین لازم بود که سنگهه و اعضاء آن به طور دقیق معین شوند. بنا به تعریف محدوده یا مرز سنگهه (سیمما^۱) دربردارنده راهبانی بود که در ایام اجرای آیین اُپستَهه در آن محدوده جغرافیایی حضور داشته‌اند.^۲

درباره منشأ آئین پاتیمکَهِه سوکومار دات معتقد است که بنا بر شواهد موجود در متون بودایی، پاتیمکَهِه در آغاز صرفاً قانون بوده و جنبه آئینی نداشته است. در دیگه نیکایه (۳، ۲۸) داستانی از یکی از راهبان بودایی به نام ویپسی^۳ نقل شده است که احتمالاً کسی بود که که برای نخستین بار به پاتیمکَهِه وجه آئینی بخشید. بر طبق این داستان ویپسی در شهر بَندهومتی^۴ اقامت داشت و به راهبانی که گرد او بودند گفت که: «برای گسترش دهمه به اطراف سفر کنید اما بعد از هر شش ماه به این شهر بازگردید تا به طور جمعی قوانین پاتیمکَهِه را قرائت کنیم.» البته پاتیمکَهِه آنان صورت ابتدایی پاتیمکَهِه‌ای بود که بعداً تدوین شد از این رو، تنها دربردارنده چند بند نیاش‌گونه بود که بخشی از آن در سرودهای دهمه‌پده گنجانده شده است:

بودا صبر را والاترین ریاضت

و کف نفس را والاترین نیروانه نامید

زیرا آنکه به دیگران آزار رساند درویش نیست

و آنکه به دیگران دشنام گوید سَمَنه^۵ نیست.

پرهیز از تمام گناهان، پایداری در نیکوکاری و داشتن قلبی رئوف؛

این است قانون بودا.^۶

این نیایش با عبارت «این است قانون بودا^۷» به پایان می‌رسد که به روشنی بیانگر آن است که این سرود کامل جنبه خستویی داشته است و اینگونه ویپسی و یارانش به بودایی بودن خویش اقرار می‌کردند.^۱

1. sīmā

2. Bechert, Heinz, p.37; Gombrich, Richard F., pp. 110-111.

3. Vipassi

4. Bandhumati

5. Samana

6. *Dhammapada*, 184-186.

7. etam Buddhāna sāsanam

البته با توجه به معنی واژهٔ پاتیمکَهِه می‌توان درک بهتری از ماهیت آن حاصل نمود. این واژه با واژهٔ پاتیمکُهو^۲ به معنی «حد، محدود کردن و ثابت کردن» هم ریشه است. معادل سنسکریت آن پراتی مَکَشه است. پیشوند پراتی در زبان سنسکریت به معنی «در مقابل» و «ضد» است و مَکَشه نیز به معنی «پراکنده شدن و پخش شدن». از این رو پراتی مَکَشه به معنی «ضد پراکندگی» یا به عبارت دیگر به معنی قید و بند یا عهد و میثاق است. بر طبق تئوری دات جنبش بودایی اولیه از جماعتی تشکیل می‌شد که باورهای مشترکی داشتند اما از مقررات خاصی پیروی نمی‌کردند. با تدوین پاتیمکَهِه این جماعت از شکل فرقه‌ای خارج شدند و به صورت یک نهضت جدید دینی در آمدند. آنان پاتیمکَهِه را در نشست‌های دوره‌ای خود زمزمه می‌کردند و این نیایش گروهی هم جنبهٔ اعترافی (اعتراف به گناهان) داشت و هم اینگونه بر بودایی بودن خویش شهادت می‌دادند. از این رو، یکی از مهمترین وظایف شورای اول بودایی تدوین و گردآوری پاتیمکَهِه بود تا قوانین خاص سنگه بودایی معین شود. پاتیمکَهِه اولیه از ۱۵۰ قانون تشکیل می‌شد و به این موضوع در متون بودایی اشاره شده است از جمله در *آنگتیره نیکایه* (۳، ۸۳، ۱) آمده است: «ای آقایان وقت خواندن دوهفتگی یکصد و پنجاه سیکاپده فرا رسیده است». اما همانطور که پیشتر بیان شد به تدریج بر تعداد این قوانین افزوده شد تا اینکه در نسخهٔ پالی که مورد استفادهٔ راهبان تهروده است تعداد آن به ۲۲۷ قانون رسید.^۳

موضوع دیگری که به پاتیمکَهِه مرتبط است، موضوع فرقه‌ها یا انشعاب‌هایی است که در سنگه بودایی به وجود آمده است. آرمان سنگه این است که تمام قوانین آن با موافقت همهٔ راهبان رعایت شود. اما همواره رأی مخالف نیز داشته است. از آنجا که حد نصاب لازم برای برگزاری آئین پاتیمکَهِه چهار نفر ذکر شده است. کسانی که با بخش‌هایی از آن، آنگونه که در سنگه‌ای خاص برگزار می‌شد، موافق نبودند، می‌توانستند سنگهٔ خود را به وجود آورند و این آئین را مطابق با سلیقهٔ خود برگزار کنند. اگرچه مطابق متون بودایی ایجاد انشعاب در سنگه گناهی بزرگ به شمار می‌رفت^۴ اما این امری گریزناپذیر بود.

1. Dutt, Sukumar, *Early Buddhist Monachism (600 B. C. – 100 B. C.)*, London, 1924, pp. 87-88.

2. Patimukkho

3. Dutt, Sukumar, pp. 89-93.

4. *Sutta-nipāta* verse 231 quoted by Gombrich, Richard F., p. 112.

موضوع دیگری که در ایجاد انشعاب موثر بوده است فاصله جغرافیایی بود. چنانکه بیان شد کسانی که در یک محدوده (سیما) جغرافیایی بودند سنگه‌های واحد به شمار می‌رفتند. بنابراین ایجاد انشعاب‌های اولیه در دین بودایی ارتباطی با آراء و عقاید نداشته بلکه تحت تأثیر شیوه برگزاری آیین پاتیمکّه و پراکندگی مناطق جغرافیای شکل گرفته است. از این رو، تعداد قوانین پاتیمکّه در فرقه‌های مختلف متفاوت است و جماعتی که این آیین را در مکانی واحد برگزار می‌کردند را یک فرقه یا یک نیکایه می‌نامیدند، این موضوع منشأ شکل‌گیری هجده نیکایه اولیه بوده است.^۱

منابع

- Bechert, Heinz, "Samgha: An Overview", *Encyclopaedia of Religion*, Mircea Eliade (ed.), New York, Macmillan, 1986.
- Carrithers, Michael, *The Forest Monks of Sri Lanka: An Anthropological and Historical Study*, Delhi, 1983.
- Conze, Edward, *Buddhism, a Short History*, Oxford, 2008 (1980).
- Dutt, Sukumar, *Early Buddhist Monachism (600 B. C. – 100 B. C.)*, London, 1924.
- Eliot, Sir Charles, *Hinduism and Buddhism: An Historical Sketch*, London 1962 (1921).
- Gombrich, Richard F., *Theravāda Buddhism: A Social History from Ancient Benares to Modern Colombo*, London, Routledge, 1988.
- Harvey, Peter, *An Introduction to Buddhist Ethics: Foundations, Values and Issues*, Cambridge University Press, 2000.
- Hirakawa, Akira, *A History of Indian Buddhism*, Honolulu, University of Hawaii Press, 1990.
- Norman, K. R., *Pāli Literature, Including the Canonical Literature in Prakrit and Sanskrit of All the Hīnayāna Schools of Buddhism*, Wiesbaden, 1983.
- Prebish, Charles (ed.), *A Survey of Vinaya Literature*, Taiwan, 1994.
- Radhakrishnan, S., *Indian Philosophy*, New Delhi, Oxford University Press, 2008 (1923).
- Rhays Davids, Thomas William, *Buddhism: a Sketch of the Life and Teachings of Gautama, the Buddha*, London, 1887.
- Rhays Davids, Thomas William, *Buddhism: Its History and Literature*, 1907.

1. Gombrich, Richard F., p.112.

- Rhys Davids, T. W., Oldenberg, Hermann, "Introduction", *Vinaya Texts, Sacred Books of the East*, 1881.
- *Vinaya Texts, Sacred Books of the East*, T. W. Rhys Davids and Hermann Oldenberg (trans.), vols. XIII, XVII, XX, Oxford, Clarendon, 1881–1885.
- Wijayaratna, Mohan, *Buddhist Monastic Life*, Claude Grangier & Steven Collins (trans.), New York, Cambridge University Press, 1990.